

بررسی
حدیث ثقلین

نوشته:

ابو خلیفه
علی بن محمد قضیبی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، و الصلوة و السلام على خير الانام صلوات ربي و سلامه عليه و على آله و صحبه و سلم ، و بعد :

برادر دعوتگر قضیوی را بعد از انتشار کتاب معروفش (ربحت الصحابة و لم اخسر آل البيت ^۱) شناختم ، کتابی که وی آنرا عنوان سلسله کتاب هایش قرار داده است . این عنوان نشانه های بزرگی دارد و به وضوح فرق اهل سنت و شیعه را بیان می نماید ، و همچنین موضوع این کتاب بسیار با اهمیت است ؛ چون در حدیث پیامبر ﷺ بحث می کند . و حدیث جزئی از ثقل اکبر (قرآن) است ، و ثقل اصغر نزد شیعه (عترت) است ، و مؤلف با وجود کم حجم بودن کتاب حق مطلب را ادا نموده است .
خواننده محترم :

بر شما پوشیده نیست که اهل سنت بر قرآن کریم اعتماد می کنند ، قرآن که کلام خداست که آن را به عنوان معجزه بر محمد ﷺ نازل فرموده است ، و یکی از عنایات و الطاف الهی نسبت به امت این است که قرآن را حفاظت نموده و به آن اضافه نشده و از آن کم نگردیده است ، خداوند متعال می فرماید : ﴿ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾ الحجر : ۹

« البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم او را محققاً محفوظ خواهیم داشت »

پس قرآن موعظه و شفایی است برای دلها و مایه هدایت و رحمت است برای مومنان ، خداوند متعال می فرماید : ﴿ تَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۷﴾ یونس : ۵۷

« ای مردم عالم نامه ای که همه پند و اندرز و شفای دل های شما و هدایت و رحمت بر مومنان راست از جانب خدا برای نجات شما آمد »

و همچنین اهل سنت در اثبات عقاید و آئین های خود ، بر سنت امام اهل بیت و پیشوای جهانیان محمد ﷺ اعتماد و تکیه می کنند ، آیا اهل سنت به خاطر اینکه فقط به پیامبر ﷺ تأسی می جویند و از ایشان پیروی می نمایند قابل ملامت هستند !؟

^۱ این کتاب نیز به فارسی ترجمه و چاپ شده است .

پس پیامبر امام و پیشوا است ، و اصل دین نزد ما اهل سنت همین است .
و مسلمان نمی تواند به قرآن کریم یا به رسول خدا طعنه بزند و یا از جایگاه قرآن یا رسول خدا ﷺ بکاهد . پس باید همه به تعظیم پیامبر ﷺ و تمسک به سنت ها و رهنمود ایشان که اساس اصلاح و دعوت هستند ، فرا خوانده شوند ، و مؤلف کلام علما را در مورد سند و معنای حدیث ثقلین ذکر کرده ، که کفایت می کند .

و نزد ما اهل سنت شهادت (أن محمداً رسول الله) یعنی ایمان قطعی داشتن به اینکه خداوند محمد ﷺ را برگزیده و او را به عنوان پیامبر برای انسان ها و جن ها فرستاده است ، پس تصدیق ایشان در آنچه امر نموده و پرهیز از آنچه نهی کرده واجب است ، و هر خبری که از طریق صحیح از او نقل شده ایمان آوردن به آن واجب است و همان طور که ایشان خیر داده اتفاق خواهد افتاد ، اطاعت از ایشان ﷺ واجب است .

و باید عبادت ما در ظاهر و باطن مطابق با عبادت پیامبر ﷺ باشد ، خداوند متعال می فرماید : ﴿ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾ الحشر: ٧

« و آنچه خدا از اموال کافران دیار برسول خدا غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و خویشاوندان رسول است و یتیمان و فقیران و راهگزاران این حکم برای آن است که غنائم دست بدست میان توانگران شما نگردد و شما آنچه رسول حق دستور دهد بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است .»

و همچنین باید پیامبر ﷺ را صادقانه از ته قلب دوست داشت ، دوست داشتنی فراتر از دوست داشتن خود و پدر و مادر و همه مردم ، پیامبر ﷺ می فرماید : (هیچ یک از شما مومن کامل نمی شود مگر اینکه من برای او از پدر و فرزند و همه مردم محبوب تر باشم) . متفق علیه ، و این لفظ از بخاری است .

و همچنین هرگاه که اسم پیامبر ﷺ برده می شود باید بر او درود و سلام فرستاد ، و همچنین ال و خویشانان آن حضرت را به خاطر خویشاوندی ایشان ﷺ باید دوست داشت و همچنین محبت صحابه چون همراه و یار ایشان ﷺ بوده اند واجب است .

و در اینجا کلماتی اضافه می کنم ... ائمه رحمهم الله همه به رحمت خدا پیوسته اند بجز امام منتظر پس کشمکشی برای قدرت و این که خلیفه چه کسی می شود باقی نمانده است و کشمکش سیاسی به پایان رسیده است .

و مهدی منتظر - همانطور که همه کسانی که به آن باور دارند اقرار می نمایند - وقتی بیرون بیاید معجزات و امور خارق العاده ای دارد که بوسیله آن صاحب زمین می گردد و قدرت سیاسی و

فکری خود را گسترش می دهد ، و او از سوی خدا یاری می شود و به بشر نیاز ندارد ، پس بنابراین باید کشمکش و نبرد شیعه و سنی کم شود و هر دو طرف به مصالح خود بنگرند .

وصلی الله علی نبینا محمد و علی اله و صحبه اجمعین .

صالح بن عبدالله الدریش

قاضی دادگاه عمومی قطیف

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خاتم المرسلين ، و امام المهاجرين ، محمد بن عبدالله ، و على آله و صحبه و من والاه الى يوم الدين .

اما بعد ...

خداوند متعال از پنهان کردن حق بر حذر داشته و می فرماید :

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَأَهْدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ
اللَّعْنَةُ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاوْتَيْنَاهُمُ آيَاتِنَا لِيُذَكَّرُوا ﴿١٦٠﴾ ﴾ البقرة: ١٥٩ - ١٦٠

« آنگروه از اهل کتاب که آیات و ادله واضحه ايرا که برای هدايت خلق فرستاديم کتمان نموده پس از آنکه برای مردم در کتاب آسمانی بیان کردیم آنها را خدا لعن می کند و جن و انس و ملک نیز لعن می کند . مگر آنهایی که توبه کردند و مفسد اعمال خود را اصلاح نمودند و بیان کردند برای مردم آنچه را کتمان می کردند پس توبه این گروه را می پذیریم که منم پذیرنده توبه و مهربان به خلق . »

و با توجه به این آیات بر من لازم بود تا آنچه از حق را می دانم بیان کنم ، چنان که خداوند متعال می فرماید : ﴿ الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكُنِيَ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ ﴾ الأحزاب: ٣٩

« این سنت خداست در حق آنانکه تبلیغ رسالت خدا بخلق می کنند و از خدا می ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی ترسند و خدا برای حساب و مراقبت کار خلق به تنهایی کفایت می کند »

و این رسانیدن پذیرفته شود این چیزی است که آرزو داریم ، خداوند متعال می فرماید : ﴿ الَّذِينَ

يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ ﴿١٨﴾ ﴾ الزمر: ١٨
« آن بندگانی که چون سخن حق بشنوند نیکوتر آنرا عمل کنند آنان هستند که خداوند آنها را به لطف خاص خود هدايت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمنند »

و می فرماید : ﴿ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾ ﴾ الغاشية: ٢٢

« و تو مسلط توانا بر آنها نیستی »

خواننده ی محترم :

در روزی که باطل گسترش یافته است ، لازم دیدم که حق را برای کسانی که خدا و جهان آخرت را می طلبند بیان کنم .

خواننده محترم :

علمای شیعه - خداوند ما و آنها را به سوی حق هدایت کند - از حدیث ثقلین چنین فهمیده اند که اهل سنت از اهل بیت پیروی نمی کنند و به آنچه آنها آورده اند تمسک نجسته اند و بلکه از دشمنان اهل بیت پیروی کرده اند .

و برای آن که حقیقت برای شما روشن گردد و این شبهه رفع شود ، و برایتان مشخص شود که چه کسانی اهل بیت را دوست دارند و چه کسانی به آنها دشمنی می ورزند این کلمات را به رشته تحریر در آوردم .

و از همه کسانی که از نوشته های گران سنگ آنان در مورد این موضوع استفاده برده ام تشکر می کنم به خصوص شیخ صالح بن عبدالله الدرویش قاضی دادگاه عمومی شهر قطیف ، که لطف فرمودند و بر کتاب من مقدمه ای نوشتند ، و از خداوند می خواهم که ایشان را در اجر و پاداش با من شریک گرداند .

خواننده محترم و حق جو : تقلید و تعصب را کنار بگذار و با بصیرت و عقل بخوان تا به امید خدا حقیقت کاملاً برایت روشن شود .

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی اله و صحبه

ابو خلیفه ، علی محمد قضیبی

۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م

قضیه - منامه - کشور پادشاهی بحرین

اهل بیت چه کسانی هستند؟

ابن منظور در کتابش لسان العرب - که یکی از مهمترین مراجع لغت است - می گوید : اهل البیت یعنی کسانی که در خانه سکونت دارند ، و اهل الرجل : یعنی خاص ترین افراد او ، و اهل بیت پیامبر ﷺ یعنی همسران و دختران و دامادش یعنی علی ﷺ^۱ و ابن قتیبه رحمه الله می گوید : (از این رو مردم می گویند عترت یعنی ذریه و نسل خاص فرد ، و کسی که می گوید : عترت رسول الله ﷺ ، منظورش فرزندان فاطمه است ، و عترت یعنی ذریه و نزدیکترین خویشاوندان فرد : یعنی از آنها و دیگران ، و قول ابوبکر ﷺ بر همین دلالت می نماید که فرمود : ما عترت پیامبر خدا ﷺ هستیم که از آن بیرون آمده و از آن سرچشمه گرفته است ، و عرب ها از ما جدا شده اند همانطور که آسیا از مرکزش جدا می شود) و ابوبکر بر این بود که در حضور قوم چیزی را ادعا کند که آنها آن را نمی دانستند .^۲ این در لغت بود اما در شریعت ، خداوند در قرآن کریم می گوید که همسران پیامبر از اهل بیت هستند ،

خداوند متعال می فرماید : ﴿ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَتِ كَرْمِنهَا بَخْرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ مِّنْ سَمَوَاتٍ لَّعَلَّكُمْ

تَصْطَلُونِ ﴿۷﴾ النمل: ۷

«بیاد آر هنگامی که موسی به اهل خود گفت مرا آتشی بنظر آمد میروم تا از آن بزودی خبر بیاورم یا شاید برای گرم شدن شما شعله ای بگیرم .»

و با موسی کسی جز زنش همراه نبود ، پس مراد از (اهله) که در آیه ذکر شده همسرش می باشد ، و خداوند متعال می فرماید : ﴿ وَأَسْتَبِقًا أَبَابَ وَاذَاتَ قَمِيصِهِ ، مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَا أَبَابٍ قَالَتْ مَا جَزَاءُ

مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۵﴾ یوسف: ۲۵

« و هر دو به جانب در بشتافتند و زن پیراهن یوسف از پشت بدرید که در آن حال شوهر آن زن را بر در منزل یافتند و زن گفت جزای آنکه با اهل تو قصد بد کند جز آنکه یا بزنندان برند یا به عقوبت سخت کیفر کنند چه خواهد بود .»

و آیه سخن زن پادشاه را حکایت می کند ، و وقتی ابراهیم عليه السلام به فرزند مژده داده شد در حالی که زنش عقیم بود ،

خداوند متعال می فرماید : ﴿ قَالُوا أَنْعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿۷۲﴾

هود: ۷۳

^۱ - لسان العرب حرف لام ، ص ۲۹۰ ، القاموس المحيط باب اللام - فصل الهمزة ، ص ۱۲۴۵ .

^۲ - ادب الکاتب ، ص ۲۸۰ .

^۳ - بحار الانوار مجلسی ۲۳۴/۳۵ .

« فرشتگان با او گفتند آیا از کار خدا عجب داری رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت رسالت است زیرا خدا بسیار ستوده صفت و بزرگووار است »

هر کس در این آیه تأمل کند می بیند که مخاطب در اینجا زن ابراهیم علیها السلام است ، و او آن وقت فرزند نداشت ، و چون شوهرش هم مورد خطاب است با (میم) جمع تعبیر کرد و نون که برای زنان بکار می رود را نیاورد ، چنان که می فرماید : (رحمت الله و برکاته علیکم) و در مورد آیه تطهیر که در سوره احزاب آمده همین طور است ، خداوند متعال می فرماید : ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾ [الأحزاب: ۳۳]

« خدا چنین می خواهد که رجس هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند . »

و از آنجا که علمای شیعه توانایی پاسخگویی به این اشکال را ندارند ادعا کردند که در آیه تطهیر سوره ی احزاب تحریف صورت گرفته است ، مصالح دنیوی در غیر از محل خود قرار داده شده است ، چنان که مجلسی گفته است .

مجلسی می گوید : (شاید آیه تطهیر را در جایی قرار داده اند که فکر کردند مناسب با آنجاست ، و یا به خاطر بعضی از مصالح دنیوی اشان آن در سیاق خطاب به زنان پیامبر، قرار داده اند ...)^۱.

و شیعه کلمه (اهل) را در قرآن به زن تفسیر کرده اند ، چنان که در فرموده الهی که می فرماید : ﴿ فَمَا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴾ [القصص: ۲۹]

« آنگاه که موسی عهد خدمت به پایان رسانید و اهل بیت خود از حضور شعیب رو به دیار خویش کرد آتشی از جانب طور دید به اهل بیت خود گفت شما در اینجا مکث کنید که آتی به نظرم رسید میروم تا شاید از آن خبری بیاورم یا برای گرم شدن شما شعله ای بگیرم »
در کتاب الحدائق الناضره آمده است : منظور از اهل زن است .^۱

و همچنین در این مورد این روایت را می آورند : از علی رضی الله عنه روایت است که گفت : هر کسی می خواهد کسی را به ازدواج ... تا اینکه می گوید : وقتی زنش را نزد او آوردند دو رکعت نماز بخواند و سپس دستی بر پیشانی اش بکشد و بگوید : اللهم بارک فی اهلی و بارک لهم فی ...^۲
بار خدایا ز من را مایه ی برکت بگردان و مرا برای آنها مایه ی برکت بگردان ...

^۱ - التفسیر الاصفی فیض کاشانی ۲ / ۹۲۷ الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل ناصر مکارم شیرازی ۱۲ / ۲۲۵ .

^۲ - الحدائق الناضره بحرانی ۳۲ / ص ۱۵۵ .

و همچنین اگر به حدیث کساء مراجعه کنیم معنی آیه تطهیر که به جای مؤنث آمدن با (میم) جماعت و مذکر آمده روشن می شود ، در حدیث کساء پیامبر ﷺ به یکی از همسرانش می گوید : (تو بر خیر هستی) .

حدیث با عبارت مختلفی روایت شده ولی این کلمات گرچه در لفظ فرق می کنند اما در معنا و مضمون یکی هستند .

از عمر بن سلمه ناپسری پیامبر ﷺ روایت است که گفت : وقتی این آیه که ﴿ اَتَمَّ اُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَذْهَبَ

عَنْكُمْ الرَّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾ [الأحزاب: ۳۳]

« خدا چنین می خواهد که رجس هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند »

در خانه ی ام سلمه بر پیامبر ﷺ نازل شد آنگاه پیامبر فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و علی پشت سر ایشان بود و سپس با چادری آنها را پوشاند و گفت : (اللهم هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا ، قالت ام سلمه : و انا معهم یا نبی الله ؟ قال انت علی مکانک و انت علی خیر)^۱

(بار خدایا اینها اهل بیت من هستند ، پلیدی را از آنها دور نما و آنان را کاملاً پاکیزه بگردان ، ام سلمه گفت : و من هم با آنها هستم ای پیامبر خدا ؟ فرمود : تو در جاییت باش تو بر خیر و خوبی هستی) و در روایتی دیگر آمده است که فرمود : تو بر خیر هستی تو از همسران پیامبر می باشی .

مثالی برای توضیح بیشتر حدیث کساء :

برای رفتن جهت ادای فریضه ی حج آمادگی هایی انجام می شود ، یکی از این کارها واکسن زدن است ، و وقتی کسی می خواهد به حج برود واکسن می زند ، پس اگر فردی واکسن زد آیا دوباره باید واکسن زده شود ؟ یا همان واکسن برایش کافی است .

به نظرم سوال واضح و جوابش هم واضح است . پس داستان اهل کساء همین طور است ، پیامبر ﷺ علی و فاطمه و حسن و حسین را زیر عبایش قرار داد ، و همسرانش را زیر آن قرار نداد ؛ چون قبلاً آیه ی تطهیر در مورد آنها نازل شده بود ، دلیلش این است که پیامبر ﷺ بعد از نزول این آیه گفت : (بار خدایا اینها اهل بیت من هستند ، پلیدی را از آنها دور نما و آنان را کاملاً پاکیزه بگردان) .

^۱ - جامع الترمذی کتاب تفسیر القرآن ۵ / ۳۵۱ حدیث ۳۱۰۵ و کتاب المناقب مناقب اهل البیت ۵ / ۶۶۳ حدیث ۳۷۸۷ .

پس پیامبر ﷺ از خداوند خواست که پلیدی را از آنها دور نماید و آنان را کاملاً پاک بگرداند ، و اگر آیه متضمن این می بود که خداوند خبر داده بود که پلیدی را از آنها دور نموده و آنان را کاملاً پاک گردانیده است ، نیازی به طلب دعا نبود ، و خداوند گفته بود : خداوند از شما اهل بیت پلیدی را دور نموده و کاملاً پاکتان نموده است .

مناسب است در اینجا اشاره کنم که منابع شیعه روایاتی در بر دارند که تصریح می کنند که آل بیت ﷺ مفهومی دیگر دارد .

از جمله این روایات یکی این است که أم سلمه رضی الله عنها راوی حدیث از زمره کسانی بود که پیامبر او را به همراه پنج تن زیر عبا قرار داد ، چون او به پیامبر ﷺ آیا از اهل تو نیستم ؟ فرمود : بله ، أم سلمه می گوید : آنگاه مرا زیر عبا قرار داد ^۱ .

و در روایتی دیگر آمده است که ایشان ﷺ فرمود : بار خدایا ، مرا و اهل بیتم را بسوی خودت ببر نه به سوی دوزخ ، گفتم : ای رسول خدا ، و من هم با شما هستم ؟ فرمود : و تو هم هستی ^۲ . و از حسین ﷺ روایت است که او بعد از آن که فرزندان و برادران و اهل بیت خود را جمع کرد و به آنها نگاه کرد و لحظه ای گریست و سپس گفت : بار خدایا ما عترت پیامبر هستیم ^۳ . پس حسین عترت را منحصر در خودش و پسرش زین العابدین قرار نداد بلکه بطور عام همه کسانی را از اهل بیت که با او بودند جزء عترت قرار داد . و از زید بن علی بن حسین ﷺ روایت است که گفت : من از عترت هستم ^۴ .

و همچنین فرزندان مسلم بن عقیل چنین گفتند ^۵ .

و در روایات شیعه آمد است که : پیامبر ﷺ در خود حدیث ثقلین بعد از این که گفت : در میان شما دو چیز گران می گذارم ... ، به او گفته شد : اهل بیت تو چه کسانی هستند ؟ گفت : آل علی ، و آل جعفر ، و آل عقیل ، و آل عباس ^۶ .

و علی در مورد زبیر ﷺ گفت : زبیر همواره مردی از ما اهل بیت بوده است ^۷ .

و همچنین امام صادق به بسیاری از یارانش می گفت : او از ما اهل بیت است ^۸ .

^۱ - العمدہ ص ۱۸ ، بحار الانوار ۳۵ / ۲۲۱ - ۴۵ / ۱۹۸ ، تفسیر البرهان ۳ / ۳۲۱ ، مناقب الامام امیر المومنین از محمد بن سلیمان کوفی ۱۵۲ / ۲ .

^۲ - بحار الانوار ۲۵ / ۳۷۲۴۰ ، ۳۹ / ۴۰۲ ، الامالی طوسی ص ۱۳۶ .

^۳ - بحار الانوار ۴۴ / ۳۸۳ .

^۴ - بحار الانوار ۴۶ / ۲۰۲ ، ۲۰۱ ، ۱۹۸ - [ابنت الهداه](#) ۱ / ۶۰۴ ، ۶۰۵ .

^۵ - بحار الانوار ۴۵ / ۱۰۳ ، ۱۰۱ - الامالی صدوق ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ .

^۶ - بحار الانوار ۲۳ / ۱۱۵ - ۲۳۷ / ۲۵ - ۳۵ / ۲۱۱ ، ۲۹۹ ، کشف الغمہ ۱ / ۴۴ .

^۷ - بحار الانوار ۲۸ / ۳۴۷ - ۳۲ / ۱۰۸ - ۴۱ / ۱۴۵ ، الخصال ص ۱۵۷ .

^۸ - بحار الانوار ۴۷ / ۳۴۵ ، ۳۴۹ - ۸۳ / ۱۵۵ ، الاختصاص : ص ۶۸ / ۱۹۵ .

و امام باقر به سعد بن عبدالملک که در بنی امیه است می گوید: تو اموی و از ما اهل بیت هستی^۱.

و از پیامبر ﷺ روایت است که فرمود: از پیشگامان عترت من اطاعت کنید آنها شما را از گمراهی باز می دارند و به راه درست راهنمایی می کنند، و شما را به حق فرا می خوانند، و کتاب و سنت مرا احیا می نمایند و بدعت ها را از بین می برند.^۲

و اگر بخواهیم از مفهوم عترت سخن بگوییم سخن ما بسی طولانی خواهد شد، اما این خلاصه ای که ذکر شد بیانگر این مطالب است که اصطلاح عترت نزد ائمه اهل بیت در دوازده نفر منحصر نبوده است و همان طور که گفته اند اهل خانه بهتر می دانند که در خانه چه هست!

استدلال شیعه به حدیث ثقلین

شیعه اثنا عشری به حدیثی استدلال کرده اند که بسیاری از علمای اهل سنت آن را ضعیف قرار داده اند، و آن حدیث این است: (در میان شما چیزی را باقی گذاشته ام که اگر به آن تمسک جوئید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترت من و اهل بیت)^۳

و ادعا می کنند که در این حدیث به تمسک به عترت پیامبر ﷺ امر شده و آنها دوازده نفر هستند، و این حدیث دلیلی است بر اینکه بعد از رسول خدا ﷺ این دوازده نفر خلیفه و پیروی از آنها واجب است، و اطاعت از غیر از اینها جایز نیست، بلکه روایاتی که از دوازده امام نقل می کنند به صراحت می گوید که منکر امامت دوازده امام، کافر است: و این دیدگاه متقدمین علمای شیعه است، اما متاخرین می گویند که منکر امامت کافر نمی شود مگر آنکه بعد از ثبوت دلیل شرعی و قطعی از روی عناد قصداً منکر آن شود، اما اگر امامت از روی دلیل برای او ثابت نشده باشد کافر نمی شود، چون بر حسب اجتهاد خودش امامت را انکار کرده است.^۴

^۱ - بحار الانوار ۴۶ / ۳۳۷، الاختصاص: ص ۸۵، البرهان ۲ / ۳۱۹.

^۲ - بحار الانوار ۱۶ / ۳۷۵.

^۳ - ترمذی کتاب المناقب ۳۷۸۶ که یکی از روایان آن انماطی است که منکر الحدیث می باشد (المعجم الکبیر طبرانی ۳ / ۸) و تعداد اندکی از علما این حدیث را با عبارت «و عترتی اهل البیت» صحیح تر قرار داده اند مانند علامه آلبنی که در این کتاب مفهومی که ایشان از حدیث برگرفته اند را توضیح خواهد داد.

^۴ - و این تناقض متاخرین است و متقدمین و متاخرین بر کافر بودن صحابه اتفاق دارند، با اینکه صحابه اهل اجتهاد بوده اند، و آیا شیعه دلیلی بر ثبوت دلیل شرعی قطعی دارند که صحابه را کافر قرار دهند.

و این قول با آنچه دو عالم بزرگ شیعه مفید و مجلسی نوشته اند مخالف است آنها می گویند : « امامیه بر این اتفاق کرده اند که هر کسی امامت یکی از ائمه را انکار نماید کافر و گمراه است و مستحق جاودانه ماندن در دوزخ است »^۱

برادر حق جو سخن مفید و مجلسی را مورد ملاحظه قرار بده که می گویند اگر کسی امامت یکی از ائمه را انکار کند کافر و گمراه است و مستحق جاودانه ماندن در دوزخ است ، و نگفته اند که باید انکار از روی عناد جحد باشد ، و کلمه « جحد » که در عبارت این دو آمده منظورش انکار فرضی از فرض های طاعت است .

اما اگر کسی در کلام امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام تأمل کند می بیند که کلام ایشان با سخن مفید و مجلسی مخالف است و بلکه با قول همه دوازده امام مخالف است ، در کتاب نهج البلاغه اثر شریف رضی در خطبه علی علیه السلام اقرار می کند که خلافت می تواند در دست او یا کسی دیگر باشد ، و از او ثابت است که وقتی بعد از کشته شدن عثمان رضی الله عنه او را فرا خواندند که با وی بیعت نمایند گفت : « مرا رها کنید کسی دیگر غیر از من را بجوئید »^۲

منظور این است که در حدیثی که با کلمه ی (و عترتی اهل البیت) آمده از نظر صحت و ثبوت آن از پیامبر صلی الله علیه و آله بحث است ، و آنچه در صحیح مسلم ثابت است این است که زید بن ارقم رضی الله عنه راوی آن است در آن آمده که به تمسک به کتاب خدا امر شد و در مورد اهل بیت توصیه نمود ، و پیامبر صلی الله علیه و آله به تمسک به کتاب خدا تشویق نمود سپس فرمود : و اهل بیت من ، خدا را در مورد اهل بیت مد نظر داشته باشید ، پس آنچه به تمسک به آن امر شده کتاب خداوند است ، و در مورد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که مورد توجه قرار بگیرند و حقوقی که خداوند به آنها داده به آنان داده شود .

و اینک عبارت حدیث ، از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : اما بعد ، هان ! ای مردم من بشری هستم ، نزدیک است که فرستاده ی پروردگارم بیاید و من اجابت کنم ، و من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم اولین آن کتاب خداوند است که سرشار از هدایت و نور می باشد پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک جوئید ، و آنگاه به تمسک به کتاب خدا ترغیب و تشویق نمود ، سپس گفت : و اهل بیت من ، شما را در مورد اهل بیتم تذکر می دهم که الله را مد نظر داشته باشید ، در مورد اهل بیتم به شما متذکر می شوم که خدا را به یاد داشته باشید .

حصین به او گفت : ای زید اهل بیت او چه کسانی هستند ؟ آیا زنانش از اهل بیتش نیستند ؟ گفت : زنانش از اهل بیتش می باشند ، ولی اهل بیت کسانیند که بعد از او از زکات محرومند ،

^۱ - اوائل المقالات مفید : ص ۴۴۰ و بحار الانوار مجلسی ۸ / ۳۶۶ .

^۲ - نهج البلاغه خطبه ش ۹۲ .

گفت : آنها چه کسانیند ؟ گفت : آنها آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس هستند ، گفت : زکات برای همه ی اینها حرام است است ؟ گفت : بله .^۱

مفهوم تمسک به تقلین از دیدگاه اهل سنت

گرفتن کتاب خدا یعنی تمسک به آن و عمل نمودن به آنچه در آن آمده است ، اما در مورد اهل بیت علیهم السلام آنچه در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده این است که ایشان علیهم السلام در مورد آنها وصیت نمود که مورد توجه باشند و حقوقی که خداوند متعال برای ایشان مقرر نموده به آنها داده شود . یکی از علمای اهل سنت که حدیث تقلین را صحیح قرار داده علامه محمد ناصر الدین آلبنانی رحمه الله است که با توجه به همه طرق حدیث آن را صحیح شمرده است ، اما او در مورد معنا و مفهوم حدیث چیزی می گوید که کاملاً با آنچه شیعه از حدیث می فهمند مخالف است ، و این متن کلام او رحمه الله است :

« خواننده محترم بدان که معروف است که شیعه از این حدیث استدلال می کنند و خیلی آنرا تکرار می نمایند ، تا جایی که بعضی از اهل سنت فکر می کنند آنها درست می گویند ، اما همه اشتباه می کنند به دو دلیل :

اول اینکه مراد از عترت که در حدیث آمده بیشتر و گسترده تر از چیزی است که شیعه مراد می گیرند ، و اهل سنت آن را رد نمی کند بلکه به آن تمسک بسته اند ، عترت یعنی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و این در بعضی از طرق حدیث توضیح داده شده است ، مانند حدیث مورد نظر که در آن آمده (و عترتی اهل بیتم) و عترتم یعنی اهل بیتم ، و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله زنانش می باشند که از زمره ی آنها عائشه صدیقه رضی الله عنها می باشد ، چنان که خداوند متعال به صراحت در سوره ی احزاب به این اشاره می نماید که اهل بیت پیامبر زنانش هستند ، و می فرماید : ((يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ لَسْتَ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ كَمَا هِيَ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ))

لَسْتَ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ ((الأحزاب: ٣٢

^۱ - مسلم ٤ / ١٨٧٣ و همچنین نگا بحار الانوار مجلسی ٢٣ / ١١٤ / ١١٥ .

« ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر زنان نیستید اگر خدا ترس و پرهیزگار باشید پس زنه‌ار نازک و نرم سخن نگویید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد و درست سخن گوید »

و دلیل اینکه منظور از اهل بیت در این آیه همسران پیامبر هستند آیه ی قبل و بعد این آیه است که می فرماید : ﴿يُنْسَاءُ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٣٣﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٤﴾ وَأَذْكُرَنَّ مَا بُتِلَ فِي

بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾ ﴿الأحزاب: ٣٢ - ٣٤﴾

« ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر زنان نیستید اگر خدا ترس و پرهیزگار باشید پس زنه‌ار نازک و نرم سخن نگویید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد و درست سخن گوید . و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خود آرایی مکنید و نماز بپا دارید و زکات مال به فقیران بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید خدا چنین می خواهد که رجس هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند . و از آنهمه حکمت و آیات الهی که در خانه های شما تلاوت می شود متذکر شوید و پند گیرید و همانا خدا را بخلق لطف و مهربانی است و آگاه است »

و شیعه کلمه ی اهل بیت را که در این آیه آمده مختص علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام قرار داده اند و زنان پیامبر را جزو اهل بیت نمی دانند ، و آنها اینگونه آیات خداوندی را تحریف می نمایند تا هواپرستی های خود را تأیید کنند ، چنان که این مطلب در جای خود توضیح داده شده است ، و حدیث کساء (آل عبا) و احادیثی که به معنای آن آمده اند نهایت این است که دلالت آیه را گسترده تر می نمایند و علی و اهل علی را جزو آن قرار می دهند ، چنان که حافظ بن کثیر و غیره گفته اند ، و همچنین حدیث عترت پیامبر صلی الله علیه و آله توضیح داده که مراد از اهل بیتش همسرانش و علی و خانواده اش می باشند .

بنابراین توربشتی چنان که در المرقاه ۵ / ۶۰۰ آمده می گوید : عتره الرجل : یعنی اهل بیت او و خویشاوندان نزدیکش ، و از آن جا که عترت را به صورت های زیادی استفاده می کردند پیامبر مفهوم آن را اینگونه توضیح داد که (اهل بیت من) تا دانسته شود که منظورش نسل و خویشاوندان نزدیک و همسرانش ، می باشد .

دوم اینکه از اهل بیت علمای صالح اهل بیت و متمسکان به قرآن و سنت مراد هستند ، امام ابو جعفر طحاوی می گوید : عترت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند ، آنانکه بر دین او می باشند و به امر و فرمان او تمسک جسته اند .

و شیخ علی قادری در حواله مذکور سخنی مانند همین را ذکر کرده و سپس می گوید که دلیل ذکر کردن اهل بیت به طور خاص این است که : اغلب اهل بیت احوال صاحب بیت و خانه را بهتر می دانند ، پس منظور علمای اهل بیت هستند که از سیره ی پیامبر آگاه و روش و شیوه ی ایشان و حکم و حکمت او را می دانند ، و اینگونه می توان اهل بیت را در کنار کتاب خدا قرار داد ، چنان

که خداوند متعال می فرماید : ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ البقرة: ۱۲۹

یعنی کتاب و حکمت را به آنها می آموزد .

می گویم - آلبانی - و مانند همین است فرموده ی الهی که در آیه ی تطهیر خطاب به همسران

پیامبر می گوید : ﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يَتْلُونَ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾

﴿الأحزاب: ۳۴﴾

« و از آنها هم حکمت و آیات الهی که در خانه های شما تلاوت می شود متذکر شوید و پند گیرید

و همانا خدا را بخلق لطف و مهربانی است و آگاه است »

پس روشن شد که مراد از اهل بیت یعنی آنان از اهل بیت که به سنت ایشان ﷺ تمسک جسته اند ، پس منظور از اهل بیت در حدیث همین است ، از این رو اهل بیت را یکی از ثقلین قرار داده چنان که در حدیث زید بن ارقم گذشت ، و سخن ابن اثیر در النهایه به همین اشاره دارد او می گوید : (آن دو را ثقلین نامیده است چون تمسک به آن دو یعنی کتاب و سنت و عمل کردن به آنها دشوار است ، و به هر چیز مهم و گران بهایی ثقل گفته می شود ، و بنابراین برای تعظیم و گرامیداشت آنها ، آن دو را ثقل نامیده است .)

می گویم - یعنی آلبانی - خلاصه اینکه قرار گرفتن اهل بیت در کنار قرآن در این حدیث مانند ذکر سنت خلفای راشدین در کنار سنت پیامبر ﷺ است که فرمود : (سنت مرا و سنت خلفای راشدین را لازم بگیرید ...)

شیخ علی قادری ۱ / ۱۹۹ می گوید : آنها عمل نکردند مگر به سنت من ، پس نسبت دادن به آنها یا به خاطر آگاهی آنها از سنت است و یا به خاطر این است که از سنت استنباط کرده و آنرا بر گزیده اند « پایان سخن آلبانی رحمه الله .^۱

پس کجا شیخ آلبانی حدیث را منحصر در دوازده امام کرده است تا شیعه اثنا عشری از آن علیه اهل سنت دلیل بیاورد !؟

و از اینجا می فهمیم که شیعه اثنا عشری تصحیح آلبانی را پذیرفته اند اما آنچه او از حدیث فهمیده را قبول نکرده اند ، شما اگر تصحیح او را قبول می کنید استنباط او از حدیث را نیز قبول کنید . اهل سنت و جماعت هیچ کسی را به گرفتن قول و دیدگاه کسی که برای آن دلیلی ندارد ، ملزم نمی کنند ، و بلکه فقط به گرفتن قول و دیدگاهی فرد را ملزم قرار می دهند که آن قول و استنباط دلیلی داشته باشد ، و کلام شیخ آلبانی در اینجا کاملاً واضح است .

اهل سنت و شیعه در عمل به حدیث ثقلین

اهل سنت و ثقلین :

به فرض اینکه حدیث صحیح باشد و اشکالی در آن وجود نداشته باشد ، باید نگاه کنیم که چه کسی به حدیث عمل کرده اهل سنت یا شیعه اثنا عشری؟! جواب این سوال :

أ _ ناقلان قرآن اهل سنت و جماعت هستند:

نخست به چیزی آغاز می کنیم که پیامبر ﷺ به آن آغاز نموده یعنی کتاب خدا ، معروف و ثابت است که کتاب خدا با تواتر از طریق اهل سنت و جماعت به ما رسیده است و در نقل آن یک راوی شیعه امامی اثنا عشری هم وجود ندارد ، و آن همین قرآنی است که امروز بین مسلمین متداول است ، پس کجا هستند ناقلان شیعه که این قرآن را از ائمه اهل بیت نقل کرده اند؟! و معلوم است که زراره و جابر جعفی و هشام بن حکم از کسانی که احادیث زیادی از امام جعفر صادق نقل کرده اند ، پس چرا قرآن کریم را از ائمه روایت نکرده اند؟! و کسی که قرآن را از جعفر صادق نقل کرده است حمزه الزیات است که با سند متصل به آل بیت و از آنها به پیامبر ﷺ ، روایت نموده و او رحمه الله از اهل سنت و جماعت بود^۱ . پس راویان شیعه اثنا عشری کجایند؟!

مثال :

خداوند متعال می فرماید: ﴿ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ﴾ النساء: ۷۸

« هر کجا باشید اگر چه در کاخ های بسیار محکم مرگ شما را فرا رسد »

سوال این است که آیا شیعه اثنا عشری کلمه ی (یدرککم) در این آیه را با یک کاف می خوانند یا با دو کاف ؟

^۱ - نگاه کنید : النشر فی القراءات العشر بن جوزی ۱ / ۱۳۳ .

اگر شیعه اثنا عشری آن را با یک کاف می خوانند سوالی که در اینجا مطرح می شود این است ، که آنها این قرائت را از کدام راوی گرفته اند ، و اگر با دو کاف می خوانند باز هم این قرائت را از کدام راوی گرفته اند ؟

پس شیعه سندی ندارند و بلکه قرآن را از اهل سنت شنیده و همان طور می خوانند .
و از آنجا که اهل سنت از شیعه ثقل اکبر (قرآن) را بهتر می دانند پس آنها از شیعه به ثقل اصغر (عترت) آگاهترند .

و اینک اسانید کسانی را ارائه می کنیم که قرآن را با طرق متواتر برای ما روایت کرده اند ، و آنها قاریان دهگانه هستند و نزد اهل سنت ائمه قرائت ها می باشند ، و از آنها بیست راوی قرائت های قرآن را روایت کرده اند و هر امامی دو راوی دارد :

۱- قاری مدینه امام نافع که از او ورش و قالون روایت کرده اند .
و این قرائت از شش تن از صحابه که عبارتند از : عمر بن خطاب ، زید بن ثابت ، ابی بن کعب ، عبدالله بن عباس ، عبدالله بن عیاش ، و ابی هریره رضی الله عنهم ، روایت شده است .

۲- قاری مکه امام ابن کثیر که از بزّی و قنبل روایت کرده است :
و این قرائت از پنج تن از صحابه روایت شده است که عبارتند از عمر بن خطاب ، زید بن ثابت ، ابی بن کعب ، عبدالله بن عباس و عبدالله بن سائب رضی الله عنهم .

۳- قاری بصره امام ابو عمرو بصری ، که دوری و سوسی از او روایت کرده اند .
و این قرائت از یازده صحابی روایت شده که عبارتند از : عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب و عبدالله بن مسعود و ابی موسی اشعری و عبدالله بن عباس و عبدالله بن عیاش و عبدالله بن سائب و ابی بن کعب و زید بن ثابت و ابو هریره رضی الله عنهم .

۴- قاری شام امام بن عمر که از او هشام و ابن ذکوان روایت کرده اند و این قرائت از عثمان بن عفان روایت شده است .

۵- قاری کوفه امام عاصم بن ابی النجود ، که شعبه و حفص از او روایت کرده اند (و اغلب مسلمین امروز قرآن را با روایت حفص از عاصم می خوانند) . و این قرائت از شش تن از صحابه روایت شده که عبارتند از : عثمان بن عفان ، علی بن ابی طالب ، عبدالله بن مسعود ، زید بن ثابت ، ابی بن کعب ،؟..... رضی الله عنهم .

۶- امام حمزه زیات که از او خلف و خلاد روایت کرده اند . این قرائت از شش صحابی روایت شده که عبارتند از : عثمان بن عفان ، علی بن ابی طالب ، زید بن ثابت ، ابی بن کعب ، عبدالله بن مسعود ، حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم .

۷- امام علی بن حمزه کسائی ، که ابو حارث و حفص دوری از او روایت نموده اند .

و این قرائت از ده صحابی روایت شده که عبارتند از: عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عیاش، ابوهریره و حسین علی بن ابی طالب رضی الله عنهم.

۸- امام یعقوب حضرمی که رویس و روح از او روایت کرده اند.

این قرائت از یازده صحابی روایت شده که عبارتند از: عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، ابو موسی اشعری، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عیاش، عبدالله بن سائب و ابوهریره رضی الله عنهم.

۹- امام خلف البزار، که از او ادريس و اسحاق روایت کرده اند.

و این قرائت از شش صحابی روایت شده که عبارتند از: عثمان بن عفان، ابی بن کعب، علی بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم.

۱۰- امام ابو جعفر مدنی که از ابن وردان و ابن جماز روایت کرده است.

و این قرائت از پنج صحابی روایت شده است که عبارتند از: زید بن ثابت، ابی بن کعب، ابن عباس، و عبدالله بن عیاش و ابوهریره رضی الله عنهم.^۱

اینها کسانی بودند که قرآن را از پیامبر ﷺ نقل کرده اند، در میان آنها شیعه اثناعشری ندیدیم، و این از صورت های اعجاز قرآن کریم است که خداوند در میان ناقلان آن کسی را قرار نداده که به صحابه پیامبر طعنه می زند، آن صحابه ای که قرآن را فرا گرفتند و جمع نمودند و حفظ کرده و نقل کردند آیا شیعه اثناعشری - هدانا الله و اياهم - می توانند غیر از این را اثبات کنند؟!

شیعه اثناعشری ادعا می کنند که از زمره ناقلان قرآن حفص و عاصم هستند و این دو شیعه هستند، و آن طور نیست که اهل سنت می گویند که همه ناقلان قرآن و حاملان آن فقط از اهل سنت بوده اند.

پاسخ به این مسئله:

اول اینکه شیعه بعد از آن که از اثبات یک سند برای نقل قرآن از ائمه اهل بیت تا به پیامبر برسد، ناتوان ماندند این ادعا را کردند.

دوم اینکه این ادعا که رجال اسناد قرائت عاصم همه کوفی و شیعه هستند به سخن موثقی نیاز دارد و مدعی باید دلیل بیاورد!

سوم اینکه اگر رجال اسناد قرائت عاصم شیعه هستند، باید شیعه دو چیز را ثابت کنند:

اول اینکه باید از کتاب های جرح و تعدیل و تراجم الرجال و طبقات، ویژه اهل سنت و الجماعت ثابت کنند که عاصم و حفص شیعه بوده اند.

^۱ - ن ک کتاب النشر فی القراءات العشر بن جوزی ۱ / ۸۲ - ۱۵۳.

دوم وقتی آنها این مسئله را نمی توانند از کتاب های ما ثابت کنند ، آن را از کتاب های رجال اثناعشری مانند کتاب رجال الکشی و یا طوسی و غیره ثابت کنند تا ببینیم که آیا مؤلفین کتاب ها آن دو را از راویان و رجال خود می دانسته اند یا نه ؟

چهارم اینکه کشی نجاشی و ابن داود و حلی و خاقانی و برقی در کتاب های رجال خود شرح حالی برای حفص بن سلیمان بیان نکرده اند و ذکری از او به میان نیاورده اند ، با اینکه اینها معتمدترین کتاب های شیعه در رجال شیعه اثناعشری به شمار می آیند .

نهایت این است که طوسی حفص بن سلیمان را در رجال^۱ خود در زمره اصحاب امام صادق نام برده است ، و قهبائی در مجمع الرجال^۲ از او پیروی کرد و حائری در منتهی المقال^۳ نیز از او نقل کرده است ، اما قهبائی و حائری هر دو از طوسی نقل می کنند ، و همه در مورد حفص جرح و تعدیلی نیاورده اند و نگفته اند که او از شیعیان اثناعشری است ، و آیت الله تستری در کتابش قاموس الرجال^۴ از او نام برده و اشاره ای به شیعه بودن حفص نکرده است ، سپس می گوید : « ما گفتیم : عنوان رجال شیخ عام تر است » یعنی رجال طوسی ، پس تستری این را که حفص ، شیعه اثناعشری باشد نفی کرده و گفته است که همه ی کسانی که طوسی در رجال خود نام برده شیعه نیستند بلکه او به طور عام بیان کرده و افرادی از نواصب را در رجال خود ذکر کرده است .

پنجم اینکه آیا اگر شیعه اثناعشری بگویند : فلانی از یاران صادق^۵ است ، به معنای تأیید آن فرد و دلیلی بر امامیه بودن اوست ؟

^۱ - رجال طوسی ص ۱۸۹ .

^۲ - مجمع الرجال ۲ / ۲۱۱ .

^۳ - منتهی المقال ۳ / ۹۲ .

^۴ - قاموس الرجال ۳ / ۵۸۲ .

^۵ - یکی از مسایله مهم که برای بسیاری از عوام شیعه اثناعشری و بلکه حتی برای فرهنگیانشان مخفی مانده است ، مسئله نص بر ائمه است ، و گمان می برند که جدول دوازده امام در زمان پیامبر ﷺ یا قبل از آن آماده و اسامی ائمه در آن تصریح شده اند ، اما اگر کسی تأمل کند که چنین امری واضح نبوده است ، به عنوان مثال این امر که بعد از صادق ﷺ امام کیست برای یاران امام صادق ﷺ مشخص نبود ! بلکه در زمان امام صادق معروف بود که بعد از او اسماعیل امام می شود ، اما هنوز امام صادق زنده بود که بعد از او اسماعیل امام می شود ، اما هنوز امام صادق زنده بود که اسماعیل وفات یافت ، طوسی در کتاب الغیبه ص ۸۳ می گوید : (مردم - یعنی شیعه - فکر می کردند اسماعیل بعد از پدرش امام می شود ، وقتی دیدند امامت به کسی دیگر غیر از او رسید به بطلان تصور خود پی بردند) . و بیشتر علمای شیعه بعد از وفات صادق فطعیه بودند - یعنی به امامت عبدالله بن جعفر معتقد بودند - چنان که نوبختی در (فرق الشیعه ص ۷۷) می گوید : شیعه بعد از وفات امام صادق به پنج فرقه تقسیم شدند چهار تا مدعی امامت برای غیر از موسی کاظم شدند ، (ن ک فرق الشیعه ۶۶ - ۷۹) ، و همچنین بعد از وفات امام عسکری به پانزده فرقه تقسیم شدند که همه جز یک گروه از آنها مدعی امامت برای غیر از محمد بن حسن عسکری بودند (ن ک فرق الشیعه نوبختی ص ۹۶) ، پس این به ما می گوید که اگر لیست دوازده امام مشخص و منصوص می بود این اختلاف و تفرقه در مهم ترین ارکان دین پدید نمی آمد !!

آیت الله تستری که یکی از علمای شیعه است می گوید: (این توثیق و تائید فرد به شمار نمی آید ، و حتی از این نمی توان گفت که فرد از شیعه امامیه است)^۱ .

احمد بن خصیب از یاران هادی شمرده شده است با اینکه او ناصبی است^۲ .

ب: آیا اهل سنت عقاید باورهای خود را از آل بیت می گیرند؟ امام اهل بیت که اهل بیت ﷺ به سبب خویشاوندی ایشان دارای فضیلت و برتری هستند ، سرور انسانیت پیامبر هدایت محمد ﷺ است ، و اقوال و افعال و تائیدات ایشان ﷺ برای اهل سنت حجت هستند ، و اقوال و افعال و تقریرات ایشان بعد از قرآن دومین منبع است ، وقتی کلمه سنت اطلاق می شود منظور از آن سنت پیامبر خدا ﷺ است .

این سخن که فرا گرفتن دین و عقیده از کسی علی و حسن و حسین و دیگر ائمه اثناعشری ﷺ جایز نیست به صراحت با آنچه بر پیامبر ﷺ نازل شده مخالف است ، چنان که خداوند می فرماید :

﴿وَالسَّيْفُوكَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبة: ۱۰۰)

« آنانکه سبقت به ایمان گرفتند از مهاجر و انصار و آنان که به طاعت خداوند پیروی آنان کردند خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنودند و خدا بر آنها بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاریست مهیا ساخته که بر آن تا ابد متنعم باشند و این به حقیقت سعادت بزرگ است »

و به اتفاق شیعه و سنی هیچ کسی از انصار از اهل بیت نبوده اند و می بینیم که خداوند از کسانی که بعد از انصار و مهاجرین می آیند و از انصار یا مهاجرین پیروی می کنند می پذیرد . پس اگر پیروی غیر از علی و حسن و حسین و دیگر ائمه شیعه جایز نمی بود ، برای کسانی که بعد از آنها می آیند اطاعت از انصار جایز نمی بود ، و علاوه بر این هیچ دلیلی وجود ندارد که فقط باید از علی و حسن و حسین و دیگر ائمه شیعه ﷺ پیروی شود . محدثین اهل سنت کتاب هائی در فضائل و مناقب اهل بیت تالیف کرده اند مانند کتاب فضائل علی یا الخصائص الکبری نسائی ، و در بخاری و مسلم ابواب زیادی در فضل آل بیت ﷺ آمده است و همچنین در دیگر کتاب های اهل

ابو القاسم خوئی می گوید: (روایات متواتری که از طریق عام و خاص به ما رسیده اند تعداد ائمه را که دوازده هستند تعیین کرده و اسم هر یکی را پس از دیگری تعیین نکرده است !!) صراط النجاه فی اجوبه الاستفتاءات ۲ / ۴۵۳ .

و سپس نسبت داده شدن فرد که از یاران امام صادق است از این لازم نمی شود که اثناعشری باشد چون چنین اختلافی در مورد امامت هست . برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به کتاب الامامه و النص از فیصل نور .

^۱ - قاموس الرجال تستری ۱ / ۲۹ - ۳۴ ، ۱۸۰ .

^۲ - قاموس الرجال تستری ۱ / ۱۸۰ .

سنت ، و هر کسی در کتاب های معتبر اهل سنت تامل کند می بیند که علی علیه السلام که از دیدگاه شیعه امام اهل بیت است از میان خلفای اربعه از همه بیشتر حدیث روایت کرده است !!^۱
بخاری و مسلم ۱۶۳ روایت از علی علیه السلام روایت کرده اند . و در اصول کافی ۶۶ حدیث از علی علیه السلام روایت می کنند صحیح و ثابت است بر خلاف روایاتی که در کافی ذکر شده اند که علمای شیعه اعتراف می کنند که همه آنچه در کافی هست صحیح نیست .

و همچنین اهل سنت از امام جعفر صادق و او از پدرش باقر رضی الله عنهما در صحیح مسلم صفت حج پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند و حج رکن پنجم از ارکان اسلام است .
و این تنها حدیثی است که مسایل حج را به تفصیل بیان می کند و فقهای اهل سنت آنرا مستند خویش قرار داده اند . و هر سال عبادت حج را تا به امروز بر اساس این حدیث که امام صادق از پدرش باقر رضی الله عنهما و او از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه و او از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند انجام می دهند .

و در اینجا از هر شیعه ای - خداوند ما و آنها را هدایت کند - می پرسم : وقتی روایات از ائمه با اقوال و افعال پیامبر صلی الله علیه و آله متناقض و متعارض باشند - که چنین مواردی زیاد است - شما چه موضعی اتخاذ می کنید !؟

من بعد از آن که خداوند مرا هدایت کرد و سنی شدم ، از حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی می کنم ، و در گذشته وقتی شیعه بودم از قول آخوند پیروی می کردم بدون آنکه مناقشه و بحثی کرده باشم .
محمد رضا مظفر می گوید : (عقیده ی ما در مورد مجتهدی که جامع الشرائط است این است که او نایب امام العلیه السلام در دوران غیبت است و حاکم و رئیس مطلق است ، و همان اختیاراتی که امام در فیصله نمودن در قضایای مردم و حکومت بین مردم دارد ، او نیز دارا می باشد ، و کسی که سخن و فرمان او را رد کند سخن و فرمان امام را رد کند سخن و فرمان خدا را رد کرده است ، و این در حد شرک ورزیدن به خداست !!)^۲ .

وقتی حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله بیاید اهل سنت اقوال غیر از پیامبر هر کسی که باشد را رها می کنند ، و رسول خدا صلی الله علیه و آله امام اهل بیت علیهم السلام است ، آیا بعد از این کسی می تواند بگوید : که اهل سنت فقه اهل بیت علیهم السلام را ترک کرده اند !؟

دوم : شیعه و تقلین

آیا شیعه اثنا عشری - هدانا الله و اياهم - به حدیث تقلین عمل کرده اند و به کتاب خدا و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک جسته اند ، یا اینکه به کتاب و عترت تمسک نجسته اند ؟

^۱ - مجموع روایات علی علیه السلام در نه کتاب حدیث ۱۵۹۹ روایت است . ن ک مسند ال البيت محمد نور سويد ۱ / ۵۷ .

^۲ - عقاید الامامیه ص ۳۴ - ۳۵ .

پاسخ به این سوال :

الف : شیعه و قرآن :

بسیاری از علمای شیعه گفته اند که قرآن تحریف شده و ناقص است و ادعا کرده اند که این سخن عترت معصومین است (و حال آنکه عترت از چنین سخنی پاک و بری است ، همان طور که اهل سنت معتقدند) .

و برای هر انسان عاقل و هوشیاری پوشیده نیست که گناه و جرم طعنه زدن به قرآن (ثقل اکبر) از طعنه زدن به عترت (ثقل اصغر) بزرگتر است .

مسلمانی که فطرتش سالم باشد امکان ندارد که به این باور داشته باشد که قرآن تحریف شده است

؛ چون او ایمان دارد که هیچ کسی از خداوند راستگوتر نیست ، چنان که می فرماید : ﴿ وَالَّذِينَ

ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ

أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿۱۳۳﴾ النساء: ۱۲۲

« آنان را که به خدا گرویدند و کارها به صلاح (خود و خلق) کردند بزودی آنها را به بهشتی در

آوریم که زیر درختانش نهرها جاریست تا منزلگاه ابدی آنها باشد وعده ی خدا حق است و کیست

که در گفتار راستگوتر از خداست »

و خداوند فرموده است : ﴿ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾ الحجر: ۹

« البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم او را محققاً محفوظ خواهیم داشت »

و با وجود نص صریحی که بر این دلالت می نماید که قرآن از دست کسانی که آنرا اضافه یا کم

نمایند یا تغییر دهند ، محفوظ است - چون حفاظت با این سه چیز منافات دارد - می بینیم که

بسیاری از علمای شیعه اثناعشری می گویند قرآن تحریف شده است ،^۱ حتی بعضی از آنها گفته اند

: در قرآن آیات سخیف و پوچ هست . العیاذ بالله .

شیعه می گویند که آنها اهل بیت را دوست دارند و از آنها دفاع می کنند ، و اهل سنت دشمنان

اهل بیت را دوست می دارند و از آنها دفاع می نمایند .

آیا کسی که اهل بیت را دوست می دارد و از آنها دفاع می کند ، می گوید : اهل بیت به صراحت

گفته اند که قرآن تحریف شده است ؟

^۱ - اصول کافی ص ۲۸۶ باب انه لم یجمع القرآن كله الا الائمه عليهم السلام ، و انهم یعلمون علم كله ، مقدمه تفسیر قمی ۱ / ۳۶ - ۳۷ .

الانوار النعمانیة ۲ / ۳۵۷ - ۳۵۸ ، المرآة العقول ۱۲ / ۵۲۵ ، فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب ص ۲۹ ، لوائل المقالات

ص ۸۰ ش ۵۹ ، آراء حول القرآن ص ۸۸ - ۹۹ و غیره و به اضافه متاخرین شیعه .

چنین سخنی طعنه به اهل بیت است و دفاع از آنها نیست . اما اهل سنت آنچه را که به اهل سنت نسبت داده شده انکار می کنند و این روایات را تکذیب می نمایند .

اگر بگوئی : بعضی هستند که این سخن را به اهل بیت نسبت نمی دهند ؟

به شما می گویم : موضع شما در مورد کسانی که تحریف را به اهل بیت نسبت می دهند چیست آیا از آنها اظهار بیزاری می کنی؟! برای محبت و دوست داشتن اهل بیت با بیزاری جستن از کسانی که از روی ظلم و تجاوز و عقیده تحریف قرآن را به اهل بیت نسبت می دهند ، بیزاری بجوی و هرگز چنین سخنی از دهان پاک اهل بیت بیرون نیامده است ، عقیده اهل سنت در مورد اهل بیت همین است و اهل سنت جان و مال خود را برای دفاع از اهل بیت فدا می کنند . پس حقیقت و واقعیت ثابت می کنند که چه کسی اهل بیت ﷺ را دوست می دارد و به آنها اقتدا می کند .

و سوال مهم در اینجا این است که آیا علمای شیعه بدون سبب گفته اند قرآن تحریف شده است ؟ طبیعی است که بدون سبب نگفته اند .

اسبابی که به خاطر آن علمای شیعه اثنا عشری مدعی تحریف قرآن شده اند زیادند و مهم ترین آن عبارتند از :

۱- در قرآن به صراحت از امامت علی ﷺ سخن گفته نشده است ، بنابراین علمای شیعه ادعا کرده اند که اسم علی ﷺ از قرآن انداخته شده است !!^۱

۲- برای رهایی یافتن از تناقضی که اعوام شیعه با آن مواجه می شوند که در قرآن صحابه و همسران پیامبر ﷺ ستایش شده اند ، و در عقیده و باور آنها صحابه و همسران پیامبر ﷺ ستایش شده اند و در عقیده و باور آنها صحابه و همسران پیامبر ﷺ مورد مذمت هستند از این رو برای رهایی از این تناقض علمای شیعه مدعی شده اند که قرآن تحریف شده است .

۳- ادعای تحریف قرآن در آمدی است برای این سخن که اسامی ائمه و فضایل آنها در قرآن موجود بوده است .^۲

۴- اگر بگوئید که قرآن تحریف نشده است ، آنها با این سخن اصحاب پیامبر ﷺ را تزکیه و تأیید کرده اند ، چون اگر آنها بر دین خود استوار نمی بودند چگونه قرآن را سالم و بدون نقص و تحریف به ما می رساندند!؟

۵- وقتی به شیعه گفته می شود دلیل عصمت دوازده امام از قرآن کجاست!؟

^۱ - ن ک تفسیر الصافی فیض کاشانی ۱ / ۴۹ .

^۲ - الانوار النعمانیة الجزائری ۱ / ۹۷ .

می گویند آیه تطهیر ، به آنها گفته می شود : سیاق آیه در مورد همسران پیامبر است می گویند : به خاطر مصلحت های دنیوی جای آن را تغییر داده اند .^۱

۶- با ادعای تحریف قرآن می خواهند عوام شیعه را از قرآن و استدلال به آن دور کنند ، و واقعیت بر این امر گواه است .

۷- ادعای تحریف قرآن به علمای شیعه تقدس بزرگی می دهد و آنها هستند که حق و دلیل را می فهمند ، و اقوال آنها حجت هستند نه قرآنی که بازیچه دست مردم تحریف گر بوده است.

پس چرا این قرآن صحیحی که شیعی می گویند وجود دارد را نمی بینیم ؟
علمای شیعه به این پرسش پاسخ های متعددی داده اند : اول اینکه قرآن مخفی اگر آشکار شود در آن کسانی که در گذشته بوده اند مورد مذمت قرار گرفته و رسوا شده اند ، پس باید پنهان شود .^۲

و دوم اینکه تا مخالفان همچنان به نافرمانی امیر المومنین تا روز قیامت ادامه دهند و آنگاه مستحق خواری بزرگی خواهند شد .^۳

پس قرآنی که امروزه موجود است چه فایده ای دارد ، و آیا امکان دارد که مسلمانی به تحریف قرآن معتقد باشد و سپس منبعی برای شناخت احکام شرعی نداشته باشد ؟

بله ! تناقض موجود است و ادامه دارد ، و این مشکلی دارد که بسیاری از معتقدان به تحریف قرآن گرفتار آن هستند ، و نعمت الله جزائری - که یکی از علمای بزرگ شیعه است - راه برون رفتن از این بحران و مشکل ایجاد کرده است ، او می گوید : (در احادیث روایت شده که آنها (ائمه) علیهم السلام شیعیان خود را به خواندن این قرآن موجود در نماز و غیره و عمل کردن به احکام آن دستور داده اند تا آنکه مولای ما صاحب الزمان ظهور می کند ، و آنگاه این قرآن از دست مردم به آسمان می رود ، و صاحب الزمان قرآنی را که امیر المومنین علیه السلام تالیف و جمع آوری نموده بیرون می آورد و آن قرآن خوانده می شود و به احکام آن عمل می شود) .^۴

و با وجود همه این می بینیم که متأخرین علمای اثنا عشری کوشیده اند برای قائلین به تحریف قرآن عذری بتراشند ، و گفته اند که آنها کافر نیستند ، به این دلیل که آنها اجتهاد کرده و به خطا رفته اند ؛ چون گفته هایشان بر حسب دلایلی است که داشته اند .

^۱ - بحار الانوار ۳۵ / ۲۳۴ .

^۲ - الانوار النعمانیة ۲ / ۳۶۰ .

^۳ - منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه حبیب الله خوئی ۲ / ۲۲۰ .

^۴ - الانوار النعمانیة ۲ / ۳۶۰ .

می گوئیم : چگونه برای کسانی که به صراحت این سخنان را گفته اند ادعای اجتهاد می شود و برایشان عذر می تراشیم و می گوئیم اجتهاد کرد و به خطا رفته است ، و نمی پذیریم که گوینده این سخن کافر می شود و یا حداقل این قول کفر است؟!

آیا شایسته است که ناصبی هایی که به اهل بیت پاک پیامبر طعنه زده اند به دلیل اینکه برای آنها این ثابت نبوده که به این بزرگان نباید طعنه زده شود را معذور بدانیم؟!

سوال : چگونه کسی را که به ثقل اکبر طعنه می زند معذور قرار می دهیم ، و معذور قرار دادن کسی که به ثقل اصغر طعنه می زند را نمی پذیریم؟!

آیا شایسته است که برای کمونیستی که وجود خدا را انکار می کند و دلیل می آورد و بحث می کند معذور بدانیم و بگوئیم او اجتهاد کرده و کافر نمی شود ؛ چون اجتهادش به او می گوید که خدا وجود ندارد؟!

به راستی که این بازی کردن با دین و از بین بردن شریعت و دین تحت تابلوها و شعارهای گوناگون است !

همان طور که اجتهاد در مورد یگانگی خداوند جایز نیست ، همین طور اجتهاد در مورد سلامت و مصونیت قرآن از تحریف جایز نیست ، چون این دو چیز ز امور ضروری دین هستند .

و اینجا ما سوالی از شیعه داریم : علمای اثناعشری که اجتهاد کرده اند و به خطا رفته اند و گفته اند قرآن تحریف شده است - چنان که متأخرین شیعه ادعا می کنند - وقتی دو حدیث برایشان متعارض قرار گرفته ، چه کار می کرده اند ؟

آیا این دو حدیث را به قرآنی که از دیدگاه آنها تحریف شده و در آن آیات سخیف و پوچی هست ، عرضه می کرده اند؟!

یا قرآنی دیگر که تحریف نشده داشته اند و به آن عرضه کرده اند؟!

یا اینکه حدیث جعفر صادق علیه السلام را نمی دانسته اند که می گوید : (بر هر حقی حقیقتی هست ، آنچه با کتاب خدا موافق بود آن را بگیری و آنچه با آن مخالف بود آن را ترک کنی)؟!

انتظار ما از همه علمای شیعه اثناعشری این است که در مورد قائلین به تحریف قرآن همان شیوه ای را در پیش بگیرند که در مورد مرجع شیعه آیت الله العظمی محمد حسین فضل الله در اجتهاداتش در پیش گرفتند ، که با او مناقشه شد و او را گمراه قرار دادند و خواستار سلب مرجعیت او و عدم اعتماد به او شدند ؛ چون به صراحت اعلام کرد که علی علیه السلام شجاع تر و

پرهیزگارتتر از این است که اجازه دهد به همسرش اهانت شود و از آن دفاع نکند^۱، به خاطر این سخنان آیت الله محمد حسین فضل الله را به انحراف در عقیده متهم کردند^۲ با اینکه آیت الله محمد حسین فضل الله بعد از بررسی زیاد و طولانی و با دلیل به چنین باوری رسیده است، و فقط از روی انکار چنین نکرده است، و همچنین با استاد عراقی احمد کاتب که در کتابش (تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولايه الفقيه) منکر نظریه امامت شده، چنین رفتاری کردند و او را به ناصبی بودن و کفر متهم کردند^۳، با اینکه همه می دانیم که ادعای تحریف قرآن به مراتب از آنچه محمد حسین فضل الله و احمد الکاتب با مذهب شیعه مخالفت کرده اند گناه بزرگتری است، چون نص صریح آمده که قرآن محفوظ است و آنچه محمد حسین فضل الله و احمد الکاتب با آن مخالفت نموده اند اینطور نیستند.

ب - آیا اثنا عشریه سند معتبری برای حدیث ثقلین دارند؟

آیا شیعه اثنا عشری می توانند حدیث ثقلین را با سند متصلی که رجال و راویان آن شیعه امامی اثنا عشری عادل ضابط باشند؟! چنان که حدیث صحیح را تعریف می کنند. یکی از علمای شیعه به بررسی عموم روایات از نظر صحت و ضعف پرداخته اما از سوی هم کیشان خود در معرض هجوم سختی قرار گرفته است، چنان که برای علامه حلی اتفاق افتاد که او از اولین کسانی به شمار می آید که اسانید روایات شیعه را مورد بررسی قرار داد و یکی از نتیجه های این بررسی این بود که او دو سوم روایات کتاب های اساسی شیعه مانند کافی را از اعتبار ساقط کرد، تعداد روایات کافی ۱۶۱۹۹ روایت است و بر اساس معیارهای شیعه جز ۵۰۷۲ روایت باقی نمی ماند^۴. حلی به خاطر این کارش به شدت از سوی هم کیشان خود مورد حمله قرار گرفت، تا جایی که درباره ی او گفتند: «دین دوبار منهدم گردید: یکی روز سقیفه و دوم روزی که علامه به دنیا آمد»^۵!

بلکه علم (مصطلح الحدیث) نزد شیعیان جدید و تازه است، و آن را از اهل سنت گرفته اند، و این علم را نداشته اند چنان که حر عاملی - که یکی از علمای بزرگ شیعه به شمار می آید -

^۱ - الحوزه العلمیه تدین الانحراف ۲۷ - ۲۸ .

^۲ - ن ک حوار مع فضل الله حول الزهرا هاشم هاشمی ص ۳۰ / ۳۳ .

^۳ - ن ک الشهاب الثاقب للمحتج بکتاب الله فی الرد علی الناصب احمد الکاتب . عالم سبیط نبلی .

^۴ - لؤلؤه البحرين ، ص ۳۹۴ ، کلیات فی علم الرجال ص ۳۵۷ .

^۵ - اعیان الشیعه ۵ / ۴۰۱ ، مقیاس الهدایه ۱ / ۱۳۷ . الحدائق الناصره ۱ / ۱۷۰ .

می گوید: (و اصطلاح جدید موافق با اعتقاد و اصطلاح عامه است ^۱ ، بلکه از کتاب های آنها گرفته شده چنان که با بررسی مشخص می شود ^۲) .

و حر عاملی می گوید: فایده از وضع این علم - علم اسناد - دفع اعتراض و طعنه زدن عامه است ، که می گویند احادیثشان به صورت عن فلان عن فلان روایت نشده ، و بلکه از اصول گذشتگان روایت و نقل شده است ^۳ .

و از آنچه گذشت برای ما روشن می شود که علم (المصطلح الحدیث) نزد شیعه اثناعشری چیز تازه ایست که ریشه و سابقه نداشته است ، بیشتر هدف از آن حمایت مذهب از انتقاد مخالفان و دفاع از مذهب است تا رسیدن به صحت حدیث .

و بنابر امور گذشته شیعه به دو گروه تقسیم شدند: اخباریه و اصولیه . اخباریه کسانیند که از ادله شرعی فقط کتاب و سنت برای آنها معتبر است ، پس همه آنچه از ائمه نقل شده نزد آنها حجت است ؛ چون از معصومین نقل شده است و وقتی حدیث در اصولشان ذکر شده باشد به جایگاه آن نگاه نمی کنند ^۴ .

و اصولیه کسانی هستند که در استنباط احکام شرعی از ادله چهارگانه: قرآن و سنت و اجماع و دلیل عقل استفاده می کنند ^۵ .

راویان اهل سنت قرآن و سنت را نقل کرده اند . شیعه اثنی عشری - هدانا الله و ایاهم - احادیث اهل سنت را اصلاً نمی پذیرند و به آن باور ندارند و ادعا می کنند که راویان از مخالفین هستند که از ائمه اهل بیت پیروی نمی کنند بلکه از دشمنانشان اطاعت می نمایند .

می گویم: چگونه شیعه روایات نقل قرآن را از راویان اهل سنت قبول می کنند و حال آن که آنها از مخالفین هستند ، و از طرفی باقی روایات اهل سنت را نمی پذیرند!؟

و همه کسانی که به این باور معتقدند باید یا همه احادیث ثابت اهل سنت را باور کند همان طور که اهل سنت به آن باور دارند ، و یا بر عقیده خود باقی بماند و همه احادیث ثابت اهل سنت را رد کند ، اما به شرطی که اسانید نقل قرآن را نیز رد کند .

و در این صورت نیز باید به تحریف قرآن اقرار نماید همان طور که در کتاب های معتبر شیعه نوشته شده است ، خواه از حیث روایاتی که در این مورد آمده و یا اعترافات علمایشان ، که

^۱ - منظور از عامه اهل سنت است .

^۲ - وسائل الشیعه ۲۰ / ۱۰۰ .

^۳ - وسائل الشیعه ۲۰ / ۱۰۰ .

^۴ - اعیان الشیعه ۱ / ۹۳ ، الوافی کاشانی ۱ / ۱۱ ، تنقیح المقال ۱ / ۱۸۳ رسائل فی درایه الحدیث بابلی ۲ / ۲۲۳ .

^۵ - اعیان الشیعه ۱۷ / ۴۵۳ ، مع علما نجف الاشراف ص ۱۰ .

می گویند قرآن کامل نزد امام دوازدهم مهدی است ، پس اینها دو گزینه هستند و گزینه سومی ندارند ، یا احادیث نقل قرآن وسنت را با هم بپذیرند و یا هر دو را رد کنند!؟

پایان

به همه کسانی که خالصانه برای خدا حق را می جویند و آل بیت رضی الله عنهم را دوست می دارند می گویم : بدان که خداوند آنچه در دلت هست را می داند و هیچ چیزی بر او پنهان نمی ماند و شما روز قیامت محاسبه خواهی شد ، و پیش خدا مسئول هستید ، آیا نباید هدایت را مخلصانه از پروردگارت طلب کنی و از او بخواهی که حق را به تو حق بنماید و به تو پیروی از آن را ارزانی کند ، و باطل را به شما باطل بنماید و دور کردن از آن را نصیب شما گرداند.

ای شیعه : این ناله و پیامی متواضعانه است که برای تو نوشته ام ، تا از حقایقی آگاه شوی که ممکن است از تو پنهان مانده اند ، و این کمترین چیزی است که برای دفاع از اهل بیت و صحابه رضی الله عنهم أجمعین تقدیم می کنم .

امیدوارم خداوند مرا با آنها حشر بگرداند تا واقعاً صحابه را به دست آورده و آل بیت را از دست نداده باشم .

و صل اللهم و سلم علی نبینا محمد و علی آله و صحابه .

أبوسلمان